



ویسپوبیش، سال ۲، شماره ۳



«بیایید فیلمنامه بنویسیم!»

بخش سوم

نوشته: سِرکان اِرتِم

(فیلمنامه‌نویس و استاد فیلمنامه‌نویسی از ترکیه)

ترجمه: اُمید کمالی

قدم بزنید، نَفَس عمیق بکشید و به آنچه در اطراف شما می‌گذرد، توجه کنید. هر چیز معمولی حتی، می‌تواند حامل یک ایده باشد: سگی که کسی را دنبال می‌کند یا بچه‌هایی خندان در یک زمین بازی! بیایید به بعضی از این روش‌ها نگاهی بیندازیم:

۱. دور و برتان چه دارید؟

این روش، جان می‌دهد برای ایده‌پردازی! تمام وسایل، ابزارآلات و امکاناتی را که در اختیار دارید، لیست کنید و بعد بنشینید فکر کنید که اینها را در چه داستانی می‌شود به کار بُرد. مثلاً اگر پدر شما یک کلکسیون پروانه دارد، فیلمنامه‌ی شما می‌تواند داستان یک پروانه باشد! می‌توانید در مورد اسباب‌بازی مورد علاقه‌ی خواهر و برادرتان

در تکمیل بحثِ ایده بد نیست به این اشاره کنم که بعضی‌ها واقعاً نابغه‌اند و ذهن‌شان انبانی است پُر از ایده‌های تازه و جذاب؛ ولی همه‌ی ما مثل آنها نیستیم و روزها و هفته‌ها باید به دنبال سوژه‌ای دلچسب برای شروع نوشتن فیلمنامه‌مان بگردیم. چاره چیست؟ بنشینیم و به کاغذ سفید خیره شویم؟ خیر! یافتن ایده‌های خوب و جالب، یک روش فنی دارد که به آن «طوفانِ فکر» می‌گویند. طوفانِ فکر، هم دستیابی به ایده‌های جدید را آسان می‌کند و هم یک‌جورهایی ورزشِ مغز و ذهن است. تمرینی برای قوی شدن عضلاتِ بخشِ «ایده‌ساز» مغز!

بنابراین هرروز در زمان‌های معین، از تکنولوژی فاصله بگیرید و به ذهن‌تان فرصت بدهید که ایده‌ها به آن‌طور کنند!

بنویسید یا روی ماشین اسپورت رفیق‌تان داستان بگذارید.

مکان‌ها ممکن است به شما ایده‌ی یک داستان خوب را بدهند؛ داستانی که تنها در یک لوکیشن خاص می‌تواند اتفاق بیفتد! فکرتان را به کار بیندازید و از اطرافیان هم پرس‌وجو کنید: کافه‌ای خاص، حیاط خانه‌ای با یک مجسمه یا استخر، آلبوم عکس‌های یادگاری قدیمی و...

۲. مهندسی معکوس:

تماشای فیلم‌های کوتاه مشهور، یکی دیگر از راه‌های عالی برای جوشان کردن چشمه‌ی خلاقیت شماست! موقع تماشای آنها، هر صحنه را به صورت نمابه‌نما ببینید تا نحوه‌ی روایت داستان و دلیل موفقیت آن را پیدا کنید. بعضی صحنه‌ها را با صدای بسته، چندین بار ببینید و روی ساختمان بصری فیلم مطالعه کنید. ببینید اگر بخواهید یکی از آن صحنه‌ها را خودتان بازسازی کنید، چگونه می‌شود؟ شاید بتوانید داستان آن فیلم را ادامه دهید.

۳. مکان‌های متروکه:

برای ایده‌های ترسناک، دنبال مکان‌های متروکه در اطراف محله و شهرتان باشید. بیشه‌ها، گورستان‌ها، بیمارستان‌ها، باغ‌وحش‌ها، انبارها و خانه‌های رهاشده را پیدا کنید. ولگردی در این‌جور جاها، معمولاً به یافتن ایده‌های داستانی خوبی ختم می‌شود. البته می‌دانید که فیلمبرداری در ساختمان‌های متروکه هم معمولاً مجوز

می‌خواهد.

۴. نقایص شخصیتی:

آدمی را در نظر بگیرید که یک یا چند عیب و نقص شخصیتی دارد. چنین قهرمانی به‌طور خودکار می‌تواند داستان شما را جالب کند. او را شخصیتی خودمحور، یا تشنه‌ی قدرت، یا ناامید از زندگی مجسم کنید و ببینید یک همچو آدمی می‌تواند قهرمان چه جور داستانی باشد؟

۵. فالگوش بایستید:

از روش‌های معرکه‌ی جمع‌آوری ایده برای فیلمنامه - که حتی فیلمنامه‌نویسان حرفه‌ای هم زیاد بکار می‌برند - رفتن به مکان‌های عمومی مثل رستوران یا پارک و گوش دادن به گفتگوهای مردم است! گاهی اوقات از دل گفتگوی دو آدم معمولی، ایده‌ای درخشان برای داستان خودتان گیر می‌آورید!

۶. دفتر خاطرات:

ساده‌ترین راه ایده‌پردازی برای تنبل‌ها، مراجعه به رویدادهای زندگی خودشان است. به هر عروسی، جشن تولد یا تشییع جنازه‌ای که فکر کنید، معمولاً اتفاقات جالبی در آنها افتاده که می‌تواند ایده‌ی یک داستان ساده باشد. اگر دفتر یادداشت روزانه ندارید، پیشنهاد می‌شود از همین امروز، یکی تهیه کنید.

۷. خوره‌ی خواندن شوید:

مجموعه داستانی را که بارها خوانده‌اید از

قفسه بیرون بیاورید؛ یکی دو داستان جالبش را انتخاب کنید و سعی کنید با الهام از آنها فیلمنامه‌ی کوتاهی بنویسید. هر روز چند وبلاگ بخوانید و برای فیلمنامه‌ی خود از آنها ایده بگیرید! عادت به خواندن، مهارت‌های ادبی شما را ناخودآگاه تقویت می‌کند و یاور شما در ساختن یک داستان منسجم خواهد بود و در نهایت، شما یک فیلمنامه‌نویس خوب خواهید شد!

۸. کارت‌های دیواری:

برای استخراج داستان از تعدادی مفهوم و ایده‌ی پراکنده، کارت‌های قابل‌نصب روی دیوار بسیار مفیدند. به طور معمول از این کارت‌ها برای تجسم کلیت فیلمنامه استفاده می‌شود، اما شما می‌توانید از آن برای ایده‌پردازی هم استفاده کنید! عکس‌ها و جملات الهام‌بخش پراکنده را بارها به ترتیب‌های مختلف در کنار هم قرار دهید و این کار را تکرار کنید: خواهید دید که ایده‌هایی عالی در ذهن شما جرقه می‌زنند!

۹. از آخر به اول:

گاهی صحنه‌هایی در ذهن جرقه می‌زنند که جان می‌دهند برای یک پایان تأثیرگذار. اگر پایان یک داستان را بدانید، ساختن ابتدا و میانه‌اش آسان است. پس گاهی با پایان شروع کنید و بعد به سمت آغاز کار بروید. این کار ضمناً کمک می‌کند برای نوشتن صحنه‌های زائد یا نامتناسب، وقت نگذارید و در زمان لازم برای بازنویسی‌های بعدی هم صرفه‌جویی کنید!

۱۰. بازی با کلمات:

چند کلمه‌ی مختلف و متفاوت را به شکل تصادفی از جاهای جداگانه انتخاب کنید و روی کاغذ بنویسید. حالا سعی کنید ارتباطی داستانی بین آنها ایجاد کنید! با این تمرین، شاید به یک داستان کامل برسید، ولی دست‌کم چند عنصر مفید برای داستان خود پیدا می‌کنید. همین راهنمای شما به ایده‌ی نهایی است!

۱۱. ماهی بیرون از آب:

یک شخصیت معمولی و دنیایش را مجسم کنید، سپس او را در یک محیط کاملاً متفاوت قرار دهید. این می‌تواند ایده‌های خنده‌دار محشری به شما بدهد! این یکی از ترفندهای همیشگی کمدی‌نویس‌های حرفه‌ای است؛ و تاریخ سینما (و تلویزیون) موفقیتش را تضمین کرده است.

۱۲. شوخی‌های سرِ کار:

شوخی‌های همکاران با همدیگر، منبع الهام پایان‌ناپذیری برای ایده‌یابی فیلم‌های کوتاه است؛ چه شوخی‌های کلامی و چه شوخی‌های عملی! زمان‌هایی را به یاد بیاورید که کسانی با شما چنین شوخی‌هایی کرده‌اند؛ شوخی‌هایی چنان مؤثر که تا امروز یادتان مانده! آنها را محور یک فیلمنامه کوتاه قرار دهید!

۱۳. نوشتن یک «خط داستانی» (لاگ‌لاین):

خط داستانی عبارت است از تشریح داستان در یک خط؛ و رسیدن به آن، حاصل کلنجار



رفتن با تمام مشکلاتی است که در طی طوفانِ فکر با آنها روبرو شده‌اید. اگر از ایده‌های خود راضی نیستید، بر اساس یکی از آنها، یک لاگ‌لاین بنویسید و آن را برای گروهی از رفقای همفکر بخوانید. اگر همه یک‌صدا گفتند مزخرف است که هیچ! ولی احتمال اینکه با پیشنهاداتِ اصلاحی آنها، ایراداتش برطرف شود و چیز خوبی از آب دربیاید هم زیاد است!

۱۴. ناخنک زدن به اخبار:

این روزها رسانه‌ها پُر از وقایع واقعاً عجیب هستند. گزارش‌های روزانه‌ی خبری، معمولاً ایده‌های خوبی برای نوشتن یک فیلمنامه کوتاه دارند؛ ولی به شرطی که به تمام واقعیت‌ها پای‌بند نمانید و چیزهایی هم از خودتان اختراع کنید و به آنها بیفزایید، وگرنه ممکن است کسی در جایی، از شما شکایت کند! یک شخص یا یک حادثه را بیابید و بر آن تمرکز کنید. آن وضعیت را به قالب یک طرح کلی درآورید و سپس جزئیات را براساس قدرت تخیل خودتان به آن بیفزایید.

۱۵. «چه می‌شد اگر...؟»:

بسیاری از بهترین و ماندگارترین فیلم‌های بلند و کوتاه تاریخ سینما از دل این بازی درآمده‌اند، زیرا می‌تواند به ایجاد سناریوهایی منجر شود که پیش‌بینی وقایع داستانی‌شان اصلاً آسان نیست.

«چه می‌شد اگر...؟» را تایپ کنید و در ادامه، هر چیز غیرمعمولی را که به فکرتان

می‌رسد، بنویسید. مثلاً «چه می‌شد اگر ربات‌های هوش‌مصنوعی، زمین را تسخیر کنند؟» ببینید از این دانه، چه چیزی سبز می‌شود؛ و بعد چطور می‌شود یک تکه از آن را به عنوان ایده‌ی یک فیلمنامه‌ی کوتاه به کار بُرد؟

۱۶. مضمون انسانی:

می‌توانید یک مضمون را به عنوان ایده‌ی اصلی داستان انتخاب کنید. البته چنین انتخابی می‌تواند مُنجر به خَلق داستانی شعاری و کلیشه‌ای شود که حال همه از آن به هم بخورد! کلید رسیدن به یک ایده‌ی خوب داستانی از یک مضمون، کندوکاو در آن است. به عنوان مثال، اگر موضوع شما «عبور از موانع» باشد، ایده‌ی داستان می‌تواند حول برنده‌شدن یک فرد معلول در یک مسابقه ورزشی بچرخد.

۱۷. دفتر و قلم:

فرشته‌ی الهام می‌تواند همه‌جا ظاهر شود؛ اغلب هم ناگهانی! خواه با دوستان‌تان در حال تفریح باشید یا در محل کار عرق بریزید! پس همیشه یک دفترچه و یک قلم، همراه داشته باشید تا ایده‌های ناخوانده را یادداشت کنید. اگر امکان نوشتن نبود، ایده را با صدای بلند بگویید و در تلفن همراه‌تان ذخیره کنید تا فراموش نشود و بعداً سر فرصت آن را پیاده کنید.

۱۸. مُحَقِّق شوید:

تحقیق، یک راه بسیار عالی ایده‌یابی برای

فیلمنامه‌هاست.

تقریباً تمام فیلمنامه‌نویس‌های حرفه‌ای، بیشتر زمانِ نگارش را به تحقیق در باب مضمون و شخصیت‌های فیلمنامه و جزئیات فنی وقایع داستان‌شان می‌گذرانند. پس درباره موضوعات موردعلاقه خود تحقیق کنید و از دلِ آن تحقیقات، داستانی بسازید!

۱۹. محدوده‌ی دایره:

روش جالب دیگر برای طوفانِ فکر، انتخاب چند شخصیت و رهاکردن‌شان در یک مکان، بدونِ راهِ فرار است. مثل فیلم «درخشش» (تالو) اثر استنلی کوبریک (براساس کتابی به همین نام از استیون کینگ)؛ ببینید چه اتفاقاتی ممکن است برای‌شان بیفتد و سیر حوادث، داستان شما را به کجاها می‌برد؟ آنگاه یک تکه‌اش را برای فیلمنامه‌ی کوتاه‌تان انتخاب کنید.

۲۰. تعطیلات:

می‌توانید از اعیاد و تعطیلات ملی و مذهبی برای شروع هر داستان یا ایجاد چرخش در آن استفاده کنید. یک نکته‌ی مثبت در استفاده از تعطیلات عمومی مثل کریسمس یا روز شکرگزاری به‌عنوان مَحمل ایده‌ی شما، این است که همه با آن ارتباط برقرار خواهند کرد؛ چون یک رویدادِ فراگیر است.

تذکر پایانی: یافتن ایده، فقط شروع کار است!

تقریباً تمام داستان‌های دنیا - از حکایت‌های انسان اولیه‌ی دُور آتش تا فیلم‌های سینمایی امروزی - همه پیرامون یک کشمکش حیاتی شکل می‌گیرند و جلو می‌روند. پس «ایده»، فقط بهانه‌ی شروع داستان است. اصل کار، گسترش داستان و ایجاد پیچ‌وتاب مناسب در طول کار است.

روش‌های بالا کمک می‌کنند تا ایده‌هایی برای فیلمنامه‌تان پیدا کنید؛ ولی ناتوانی در تبدیل ایده به یک فیلمنامه‌ی خوب باعث می‌شود که ایده‌ها خراب شوند و هدر بروند. پس به موازاتِ ایده‌یابی، افزایش مهارت در تبدیل ایده به داستان و داستان به فیلمنامه را هم تمرین کنید تا با خَلق کشمکش‌های متناسب با ایده، فیلمنامه‌های درجه یک بنویسید و فیلم‌های درجه یک بسازید.^۱

پایان بخش سوم

۱- این بخش در متن کتاب نیست و توسط مترجم از سایت «مدرسه فیلم نثویل» انتخاب و افزوده شده است.